آرمان ملی
armanmeli.ir
سال چهارم
شماره ۱۱۱۳
دوشنبه
۱۴۰۰•۰۶•۲۹
۱۳ صفر ۱۴۴۳ / ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۱

گزارش

گزارش «آرمان ملی» از تغییرات در وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی:

صداوسیمایی‌ها به «میراث» رسیدند!

برخی مدیران صداوسیما از سوی ضرغامی در وزارتخانه میراث فرهنگی منصوب شدند

طاهره قیومی هم سمت گرفت

آرمان ملی - یاسمین طالقانی: عزتا... ضرغامی بیش از همه به عنوان رئیس اسبق سازمان صداوسیما شناخته می‌شود و به‌راحتی نمی‌توان پذیرفت که روحیات و مواضع او تغییر کرده است. خودش تلاش دارد تا این تغییر را به اثبات برساند، چنانکه در فضای مجازی بسیار فعال شد و با منتقدانش صبحانه خورد اما باور تغییر او هنوز هم سخت است. عزتا... ضرغامی از سوی رئیسی به عنوان وزیر میراث فرهنگی و گردشگری منصوب شد و انتصابات او نشان داد که پربیراه نیست اگر ادعا شود او نتوانسته از مواضع قبلی خود عدول کند چنانکه در ابتدا مدیرکل روابط عمومی این وزارتخانه تغییر داده شد که اتفاقا مدیر قبلی نیز از خبرنگاران صداوسیما بود اما حسن میثمی که سابقه اجرا در تلویزیون سازمان صداوسیما را نیز دارد، جایگزین او شد. او علی دارابی را هم به عنوان قائم‌مقام وزیر و معاون وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی منصوب کرد. دارابی معاون امور مجلس و استان‌های سازمان صداوسیما، قائم‌مقام سازمان صداوسیما، معاون سیمای سازمان صداوسیما، مشاور رئیس سازمان صداوسیما و معاون امور استان‌ها بوده است. همین انتصاب سبب انتقاد کارکنان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری شد چنانکه در نامه‌ای به ضرغامی آوردند: «این مجموعه در حال حاضر با مشکلات بسیاری دست به‌گریبان است، انتخاب مسئولی که فاقد تجربه کافی باشد ممکن است نه تنها به حل و فصل مشکلات موجود کمکی نکند، بلکه به بحران‌سازی‌های جدی منجر شود. در این زمینه به موضوعاتی نظیر بحران حذف میدان نقش جهان از فهرست میراث جهانی، آتش‌سوزی مسجدجامع ساری، تخریب کاروانسرای تاریخی شهر نیشابور و به بسیاری نمونه دیگر بحران‌زا در سطوح ملی و بین‌المللی می‌توان اشاره کرد.»

طاهره قیومی هم سمت گرفت

در ادامه تغییراتی که یکشنبه ۲۸ شهریورماه در وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی آغاز شد، ضرغامی، طاهره قیومی را به عنوان مشاور و مسئول پیگیری‌های ویژه وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی منصوب کرد. او پیش‌تر ریاست مرکز ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر ریاست‌جمهوری حسن روحانی را به عهده داشت. ضرغامی از مدت‌ها قبل در نقش حامی قیومی ظاهر شده و معتقد بود: «بعد از پست اینستاگرامی من، وزیر اطلاعات درباره پرونده طاهره قیومی عذرخواهی کرد. گفت همه باید زیر یک وجب خاک بخوابیم. در همه بولتن‌ها نوشته بودند طاهره قیومی خواهرزاده آقای روحانی است، در یک جلسه مهم یکی از مسئولان بالارتبه (با اشاره به مسائل جاسوسی) گفت همین خانم قیومی که خواهرزاده آقای روحانی است... گفتم خواهرزاده آقای روحانی نیست، هیچ نسبتی هم با او ندارد، جاسوس هم نیست. ایشان ۱۴ روز انفرادی هم رفت و خیلی هم اذیت شد، همه هم از او عذرخواهی کردند اما هیچ‌کس حاضر نشد یک برگه دست ایشان بدهد که اشتباه رخ داده است.» البته قیومی هم به یکباره حامی رئیسی شده بود و در مرداد سال‌جاری این توئیت را منتشر کرد: «طاهره قیومی در توئیتی نوشت: شرایط پیش‌روی دولت آقای رئیسی، شبیه است به صبح روز پنجم دی ماه ۸۲ در بم کرمان، ویرانه‌ای تلخ و سخت، اما آوار برداری که تمام شود، ساختن و مرمت شیرین است. همه امیدواریم.»

انتصاب‌های صداوسیمایی ضرغامی

۲۸ شهریورماه، علی‌اصغر شالبافیان به عنوان معاون گردشگری معرفی و ولی‌ا... تیموری از این سمت تودیع شد. تیموری که از کارشناسان گردشگری نیز بوده از سال ۱۳۹۷ مسئولیت معاونت گردشگری را به عهده داشت. شالبافیان نیز از بدنه صنعت گردشگری شناخته می‌شود. او از سال ۱۳۸۷ عضو هیأت علمی دانشکده گردشگری دانشگاه سمنان بوده که با حکم عزتا... ضرغامی، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی به عنوان معاون گردشگری منصوب شد در سوابق و کارنامه حرفه‌ای شالبافیان آمده که او معاون اقتصادی و سرمایه‌گذاری هلدینگ گردشگری تأمین اجتماعی، عضو هیأت مدیره و نایب رئیس هیأت مدیره شرکتی متعلق به آستان قدس رضوی، عضو هیأت مدیره مجتمع‌های فرهنگی رفاهی ولایت (مرکز خدمات حوزه‌های علمیه کشور)، عضو هیأت‌مدیره انجمن علمی گردشگری ایران وابسته به وزارت علوم، مشاور سرمایه‌گذاری صندوق احیا و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی بوده است. شالبافیان همچنین مشاور معاون گردشگری، پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس، مشاور رئیس کمیسیون فرهنگی و اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی و فراکسیون گردشگری مجلس شورای اسلامی، دبیر همایش بین‌المللی سرمایه‌گذاری در صنعت هتلداری، کارشناس طرح برون‌سپاری فعالیت‌های بانک صنعت و معدن و مسئول آموزش و تحقیقات کمیته گردشگری سلامت کشور بوده است. او در تدوین شرح وظایف وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، تدوین قانون حمایت از احیا و مرمت بافت‌های فرهنگی تاریخی و توانمندسازی ساکنان و مالکان آنها، قانون حمایت از هنرمندان و استادکاران صنایع‌دستی، مدیریت طرح تنقیح قوانین و مقررات گردشگری، مشاور آئین‌نامه ایجاد، اصلاح، تکمیل، درجه‌بندی و نرخ‌گذاری تأسیسات گردشگری مصوب ۱۳۹۴، طرح تبدیل سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به وزارت، تدوین سند راهبردی توسعه صنعت گردشگری، تدوین ۲ بند از قانون برنامه ششم توسعه در حوزه گردشگری، تدوین ۲ بند از قانون برنامه ششم توسعه در حوزه گردشگری، پیشنهاد اصلاح ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم، و تدوین گزارش کمیسیون اصل ۹۰ در حوزه‌های عملکرد میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی نقش داشته است. احمد خورشیدسوار نیز با حکم ضرغامی، مشاور وزیر در امور فناوری‌های نوین برای گسترش ظرفیت‌های استارتاپی شد. خورشیدسوار سابقه فعالیت در صداوسیما را داشته و مسئول فضای مجازی این سازمان در مرکز استان فارس بوده است. ضرغامی همچنین با تغییر محمدحسن طالبیان از معاونت میراث فرهنگی، او را به عنوان مشاور وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی منصوب کرد.

گزارش «آرمان ملی» از رویکرد دوگانه اصولگرایان به مذاکرات و برجام:

حالا هزینه کارشکنی‌ها علیه برجام را بدهید

مخالفان دیروز برجام، امروز به حامیان آن تبدیل شده‌اند

عباس سلیمی نمین: دولت رئیسی برجام را فعال خواهد کرد

آرمان ملی - حمید شجاعی: تا دیروز برجام را عامل بدبختی مردم و به بار آمدن گرانی، تورم بالارفتن نرخ ارز، وضع تحریم و مسبب هزار و یک مساله دیگر می‌دانستند. اما امروز در دولت رئیسی با چرخشی نه ۱۸۰ بلکه ۳۶۰ درجه‌ای از لزوم ادامه مذاکرات و ادامه و احیای برجام سخن می‌گویند. رویکرد دوگانه اصولگرایان و دلواپسان به روشنی یک نکته را به اثبات رساند. اینکه «همه چیز خوب است اما اگر ما سرکار باشیم.» مثل برجام که تا دیروز در دولت روحانی خیانت به کشور و تعطیل کردن فعالیت‌های هسته‌ای بود اما امروز به فرصتی برای رفع تحریم‌ها و گشایش اقتصادی بدل شده است. با این حال شکرش باقی است که رویکردهای آنها نیز تغییر کرده و فهمیده‌اند که راه درست کدام است. مهم این است که از فرصت مذاکرات به نحو احسن استفاده شود.

مخالفان دیروز

برجام توافقی بود که پس از سال‌ها مذاکره با قدرت‌های جهانی به سرانجام رسید و از دل این مذاکرات توافقی حاصل شد که امروز به اذعان خود غربی‌ها و به‌خصوص آمریکایی‌ها این توافق به نفع ایران رقم خورده و نوشته شده است. اما به اندازه‌ای که در کشورهای مختلف در نظام بین‌الملل برجام را تایید کرده و آن را برای حفظ صلح بین‌المللی مفید فایده دانستند؛ در جهت معکوس، در داخل کشور بسیاری از افراد و جریانات به تخریب این توافق پرداخته و برجام را موجب از بین رفتن برنامه هسته‌ای ایران دانستند. در حالی که تاسیسات هسته‌ای ایران منهدم نشد و حتی به دروغ گفتند آکتور اراک را با سیمان پر کرده‌اند اما حتی پس از اینکه خبرنگاران را آنجا بردند تا با چشم خود ببینند که این طور نیست، باز هم دلواپسان همچنان به دروغی که خود پراکندند دامن زدند تا نوع نیت و نگاهشان به مساله برجام مشخص شود. حتی با وجود اینکه مقام معظم رهبری در مقطع مذاکرات از تیم مذاکره‌کننده با شاخصه‌هایی همچون امین، شجاع و متدین یاد کردند برخی آنها را خائن، جاسوس و نفوذی خواندند تا مشخص شود مخالفت آنها با برجام نه بر مبنای علمی، تخصصی و منافع ملی که صرفا بر مبنای منویات گروهی و جناحی است. به همین جهت نیز بود که از هر گونه رویکردی در جهت تخریب برجام استقبال می‌کردند. حتی اگر این عملکردها و رویکردها از جانب آمریکا شکل می‌گرفت. لذا در همین راستا حتی کمی پیش‌تر از روی کار آمدن ترامپ در آمریکا، کیهان‌نشینان بر این موضوع قرار گرفتند که بهترین کار ترامپ، پاره کردن برجام خواهد بود. دقیقا کاری که خودشان در مجلس به‌طور صوری با برجام انجام دادند، چرا که در نظر آنها توافق برد-بردی که طی آن، هم ایران و هم سایر طرف‌ها از آن بهره‌مند شود، وجود ندارد. این در حالی است که در زمان انعقاد برجام در دولت اول حسن روحانی و پیش از خروج آمریکا از برجام ایران دستاوردهای زیادی از برجام داشت از جمله اینکه صادرات نفت ایران از ۹۰۰ هزار بشکه به ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه رسید و پول حاصل از درآمد صادرات نفتی نیز به پروژه‌های عمرانی و زیرساختی اختصاص یافت. از طرفی با انعقاد برجام کشورمان از ذیل فصل هفت منشور ملل متحد خارج شد، با خرید ده‌ها هواپیما، ناوگان هوایی کشور تا حدی نو شد و باعث شد بخشی از پول‌های بلوکه شده کشورمان در برخی کشورها از جمله آمریکا بازگردانده شود، نرخ ارز تا حدی ثبات پیدا کند و در کانال ۳ هزار تومان قرار گیرد و شرایط اقتصادی و معیشتی جامعه تا حدی مطلوب گردد. حال پرسش از دلواپسانی که از ابتدا تا انتها مخالف برجام بودند این است که تمامی این دستاوردها که از برجام به وجود آمد بد بود؟ جایگزین برجام چه می‌توانست باشد که همین مقدار بازدهی و سود برای ایران به بار آورد؟ هر چند که تمامی مصائب و مشکلات برجام از زمانی آغاز شد که ترامپ از این توافق خارج شد اما بازهم دلواپسان داخلی به جای تخریب ترامپ؛ دولت و دستگاه سیاست خارجی کشورمان را مورد تخریب و تخطئه قرار دادند که اساسا چرا چنین توافقی را امضا کردید که آمریکا از آن خارج شود. در حالی که دولت مطلوب آنها چندین سال صرفا در مذاکرات به بیانیه‌خوانی مشغول بود و هیچ دستاوردی برای از بین بردن تحریم‌ها نیز نداشت اما برجام تحریم‌ها را تا حد زیادی لغو کرد. این در حالی است که گویا مواضع آنها در ماه‌های اخیر تعدیل شده و دیگر مذاکره را مذموم و ناپسند نمی‌شمارند بلکه به آن تن داده و حتی برجام را نیز به رسمیت می‌شناسند که این تغییر رویکرد خود جای تامل دارد.

حامیان امروز

زمانی که دولت روحانی به پایان کار رسید و سید ابراهیم رئیسی دولت تشکیل داد گویا نوع رویکرد و نگاه جریان حامی وی یعنی اصولگرایان و تندروها نیز به خیلی از مسائل تغییر کرد. از جمله این مسائل می‌توان به بحث مذاکره و توافق برجام اشاره کرد. جریانی تا دیروز مذاکره را بد و مذموم می‌شمرد و معتقد بود برجام توافق بدی است، چیزی جز خسارت برای کشور نداشته و باید کنار گذاشته شود امروز در دولت جدید مدافع مذاکره شده‌اند و از تداوم و احیای برجام سخن می‌گویند. پرسش اینجاست که اگر برجام بد بود چرا امروز از آن تعریف و حمایتش می‌کنید؛ اما اگر خوب است چرا در دولت روحانی به انحای مختلف به تخریب این توافق و دستگاه سیاست خارجی می‌پرداختید؟ با این تغییر موضع و رویکرد پاسخ مخالفان دیروز و موافقان امروز به جریان سیاسی رقیب، در خصوص سال‌ها مخالفت و کارشکنی در مسیر مذاکرات و برجام چه خواهد بود؟ نکته اینجاست که از دیدگاه اصولگرایان نه برجام بد است و نه مذاکره بلکه مذاکره و برجامی خوب است که آنها انجام داده و به ثمر برسانند. حتی بسیاری نیز معتقدند لوایح FATF هم که با مخالفت سخت اصولگرایان مواجه است با روی کار بودن آنها به سرانجام خواهد رسید. البته این جای امیدواری و مسرت بسیار دارد که امروز جریان مخالف برجام نیز به این نتیجه رسیده که باید مذاکره کرد و برجام را ادامه داد. لذا باید از فرصت به‌وجود آمده نهایت استفاده را برد و با مذاکراتی از سر عزت منافع ملت را مدنظر قرار داد و تحریم‌ها را از سر راه برداشت. هر چند که برخی معتقدند تغییر در تیم مذاکره کننده و ضعف در برخورداری از مذاکره‌کنندگان مسلط در تیم جدید باعث می‌شود تا مذاکره‌ای قوی صورت نگیرد و احتمال موفقیت کمتر شود اما بازهم می‌توان به احیای برجام در این دولت امید داشت.

منعی برای مذاکره نیست

یک چهره سیاسی اصولگرا در خصوص ادامه برجام در دولت رئیسی اظهار داشت: با توجه به این دو بحثی که در حاشیه برجام مطرح می‌شود که به نظر من درست است و همه صاحب‌نظران هم این را می‌پذیرند باید گفت دولت آقای رئیسی، برجام را فعال خواهند کرد و منافع ملت را حتی المقدور از طریق این توافقنامه پیگیری خواهند کرد. بنابراین از جانب ما در این زمینه هیچ مانعی وجود ندارد. عباس سلیمی نمین گفت: اصل برجام از جانب ما هم براساس سیاستی که رهبری تعیین کردند و هم از جانب دولت، روشن است. چون برخی در داخل کشور، سیاست رهبری را در ارتباط با برجام قبول ندارند و کل مذاکره را هم مورد پذیرش قرار نمی دادند اما سیاست رهبری در این زمینه و سیاست دولت آقای رئیسی به نظر من هیچ منعی در چارچوب برجام ندارد و فکر می‌کنم آمریکایی‌ها لاجرم مجبور خواهند شد که بر اساس برجام عمل کنند یعنی تن به آنچه که تعهد کرده‌اند بدهند یعنی مجبورند به تعهدات خودشان پایبند بمانند. چون، نکته مثبتی که وجود دارد و قطعا این دولت این حُسن را خواهد داشت این است که پیوند بین برجام و مسائل داخلی را منقطع خواهد کرد.

استفاده از اصطلاحات فارسی در نماز مسلمانان پکن

حدادعادل سفیر چین شود بهتر است!

تیر آرش کمانگیر به چین هم رسیده

حدادعادل در زمان تخریب مجسمه آرش کجا بود؟

آرمان ملی - مطهره شفیعی: ظاهرا علایق بین‌المللی برخی اصولگرایان با تغییر دولت هر روز بیش از گذشته خود را نمایان‌تر می‌کند! اظهارات و مواضع این دسته اصولگرایان چنان است که گویی بار دیگر عزمی نو برای تحولات در عرصه بین‌المللی در پیش است. موضوع قابل‌تامل آنجاست که این تحولات فکری و برنامه‌ریزی‌ها از سوی اصولگرایانی است که تا پیش از این خود را در عرصه‌های دیگر معرفی کرده بودند مانند غلامعلی حدادعادل که کمتر فردی تصور می‌کرد او در ذهن خود به برنامه‌ریزی‌هایی در عرصه بین‌المللی و به‌ویژه شرق آسیا مشغول است.

تیر آرش چه شد؟

البته ناآشنایی این دسته از اصولگرایان در اظهارنظر درباره کشورهای دیگر به سوژه سرگرم‌کننده تبدیل می‌شود مانند دیروز که بسیاری از سایت‌ها به انتشار اظهارات حدادعادل درباره چین پرداختند. رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در یک برنامه تلویزیونی می‌گوید: «چون مسلمانان پکن، پایتخت چین از اصطلاحات فارسی پر در نمازشان استفاده می‌کنند، تیر آرش کمانگیر به آنجا هم رسیده است و پکن جزء ایران فرهنگی است.» در منابع تاریخی آمده است آرش از کوه «ایریو خشوتا» در طبرستان بالا می‌رود و تیرش را از بالای این کوه پرتاب می‌کند. ابوریحان بیرونی و گردیزی به ترتیب در کتاب آثار الباقیه و تاریخ گردیزی کوه «ایریو خشوتا» را همان کوه رویان می‌دانند، اما فخرالدین اسعدگرگانی در منظومه اشعار ویس و رامین محل آن را ساری بیان می‌کند: «از آن خواند آرش را کمانگیر، که از ساری بمرو انداخت یک تیر، ترا زید نه آرش را سواری، که صدفرسنگ بگذشتی ز ساری» حمدا... مستوفی نیز در کتاب تاریخ گزیده می‌نویسد: چون کیقباد با تورانیان صلح می‌کرد، سرحد ایران و توران را ساری معین کرده بودند، آرش پسر کیقباد، از افراسیاب درخواست کرد تا یک تیر پرتاب کند. افراسیاب رضایت داد، آرش بصنعت و ادویه هوایی تیری از ساری بدان روی مرو انداخت. بدین سبب، سرحد رود جیحون مقرر شد. این در حالی است که نویسنده فرهنگ فارسی عمید محل آن را آمل می‌داند و می‌نویسد: «آرش نام یکی از پهلوانان ایران در عهد منوچهر که تیرانداز ماهری بود که بنابر داستان‌های ایران در جنگ میان منوچهر و افراسیاب قرار شد تیری پرتاب کنند هرجا تیر فرود آید مرز ایران و توران شود. آرش از آمل طبرستان تیری پرتاب کرد که در مرو فرود آمد» اما در نهایت مردم پارسی زبان سین کیانگ در غرب چین معتقدند در درخت گردویی در آن دیار فرود آمده است.

حدادعادل سال ۹۰ کجا بود؟

نکته قابل‌تامل آنجاست که رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی به تازگی متوجه جایگاه آرش شده و برای تایید مواضع خودش درباره چین از تیر آرش افسانه‌ها می‌گوید اما مشخص نیست چرا در سال ۹۰ در قبال تخریب مجسمه آرش در ساری سکوت کرد. ۱۱ تیر ۹۰ انتخاب نوشت: «مجسمه‌های اسب و اسب‌سواران ساری، پس از برچیده شدن از یکی از میدان‌های قدیمی شهر، تخریب شده و در مکانی مخروبه میان تلی از خاک و سنگ و آشغال و در کنار کامیون‌های حمل زباله، به بدترین شکل ممکن رها شده‌اند.» عصر ایران هم نوشت: «چندی پیش مقامات محلی ساری با این بهانه که وجود این مجسمه‌ها در میدان امام، توهین به امام است(!)، مجسمه‌ها را از این میدان برچیدند.»

جمله فارسی مشکلات را حل می‌کند؟

سال ۹۵ بود که سیدجلال امام، مبلغ اسلامی در چین گفته بود: «کار اصلی مغول‌ها برش فرهنگ اسلامی ایرانی به سوی چین بوده است، گفت: زبان فارسی در قرن ۱۲ ـ ۱۱ میلادی در اوج بود. بعد از هفتصد ـ هشتصد سال هنوز وقتی پیرمردهای چین می‌خواهند نماز بخوانند نیت نمازهایشان را به فارسی می‌گویند؛ «نیت کردم دو رکعت نماز بگزارم.» البته آنها نمی‌دانند که به زبان فارسی می‌گویند چرا چون فقط شنیده‌اند و تکرار کرده‌اند.» ساده باورانه است که ادعا شود مشکلات و موانع ارتباط با چین به سبب جملات فارسی در نماز خواندن آنها نادیده گرفته شود چرا که چین به عنوان یک کشور کمونیست شناخته می‌شود و نمی‌توان اسلام را دین غالب در این کشور پهناور معرفی کرد. جالب اینجاست که او از کمونیست هم چنین تعریف کرده است: «حزب کمونیست چین الگوی منحصر به فرد خود را شکل داده و الگوی اقتصادی پیشرفته و پویا و الگویی عادلانه و منطقی‌تر از روابط بین‌الملل را با موفقیت در اختیار جهانیان قرار داده است.» از سوی دیگر دخیل کردن موضوعات دینی در مسائل دیگر از جمله تبادلات اقتصادی و... امری نادرست است چرا که ایران با کشورهایی دارای ارتباط است که اسلام در آنها ناشناخته است اما روابط اقتصادی و سیاسی خوبی با ایران دارند. ظاهرا حدادعادل که سال‌هاست که به مبلغ چین در کشور تبدیل شده، در این مرحله از نزدیکی دینی برای مستحکم‌کردن روابط بهره برده است.

ابراز ارادت همیشگی به چین

برای درک موضوع لازم است به اظهارات حدادعادل درباره چین پرداخته شود. او ۲۴ فروردین ضمن اشاره به ضرورت افزایش همکاری‌ها میان ایران و چین خاطرنشان کرد: «ایران به روابط خود با چین اهمیت زیادی می‌دهد. شی رهبری قدرتمند، مبتکر و تاثیرگذار برای چین و جهان است.» توصیه حدادعادل به ارتباط با چین در خرداد سال جاری است. او با اشاره به اینکه یکی از اشکالات بزرگ در این ۸ سال امید بیش از حد به وعده غربی‌ها بود، تصریح کرد: «این امید بیش از حد به غربی‌ها باعث شد دولت از توجه به شرق و کشورهایی مثل چین و هند غافل شود. ما ۸ ماه در چین سفیر نداشتیم.» البته علاقه حدادعادل به چین محدود به سال جاری نیست بلکه به عنوان نمونه در سال ۹۸ گفته بود: «ما ثبات سیاسی و پیشرفت علمی و صنعتی و رشد اقتصادی چین را تحسین می‌کنیم و سیاست عدم مداخله چین در امور داخلی سایر کشورها را سیاستی عاقلانه و صحیح می‌دانیم.» یا زمان دیگری در نقش وکیل مدافع چین ظاهر شد چنانکه از تلاش‌های برخی کشورها برای انگ زدن به چین از طریق این همه‌گیری انتقاد و خاطرنشان کرد که این تلاش‌ها برای اهداف سیاسی است. این پیشنهاد مطرح است با توجه به علاقه فراوان حدادعادل برای نمایش دوستی با چین از او به عنوان سفیر ایران در چین استفاده شود تا بهتر بتواند به تقویت ارتباطات با چین بپردازد.

بزرگان در گیر فعالیت‌های حزبی نمی‌شوند

یک چهره سیاسی اصلاح‌طلب اظهار کرد: در ایران به جز در سه سال اول عمر نظام جمهوری اسلامی که شهید بهشتی، جناب آقایان خامنه‌ای، هاشمی رفسنجانی و شهید حجت‌الاسلام باهنر که حزب جمهوری اسلامی ایران را تشکیل دادند و با سرعت در سراسر کشور عضوگیری کردند و در نهایت در مجلس ششم، دیگر شاهد فعالیت جدی احزاب نبوده‌ایم. علی‌محمد نمازی افزود: احزاب ابزار نظام‌های دموکراتیک هستند. اگر ادعا داریم که دموکراسی بر کشور حاکم است، علامت آن وجود احزاب قوی، فراگیر و فعال است. نمازی با انتقاد بر اینکه بزرگان احزاب حضور جدی در احزاب ندارند، گفت: یکی از نقدهای امروز این است که بزرگان اصلاح‌طلب و اصولگرا در گیر فعالیت‌های حزبی نمی‌شوند. او خاطرنشان کرد: این احزاب هستند که بار عمده ابزار چرخش دموکراتیک قدرت از طریق معرفی برنامه، کاندیدا، گرم کردن تنور انتخابات و ایجاد شوق و انگیزه در مردم برای حضور در پای صندوق‌های رای را بر عهده دارند.

امکان حضور افراد نان به نرخ روز خور مهیاست

فعال سیاسی اصلاح طلب در رابطه با افول احزاب سیاسی طی سال‌های گذشته گفت: اصلاح‌طلبی اصیل یک جریان ریشه دار، مستمر و دائمی است که از زمان مشروطیت انقلاب شروع شده و تا زمانی که حیات اجتماعی در بستر سیاسی در کشور مهیا باشد اصلاحات زنده، پویا و در حال حرکت و رو به جلو خواهد بود. غلامرضا انصاری افزود: یک جریان زنده و پویا و رو به جلو، ضروری است که متناسب با شرایط زمان و مکان، استراتژی‌ها و عملکرد، خودش را مورد نقد و ارزیابی قرار بدهد و استراتژی آینده خود را متناسب با داده‌های علمی و تخصصی و شرایط روز جامعه به روز کند. قطعا اگر شرایط سیاسی باز و امکان مشارکت عمومی در بستر سیاسی مهیا باشد جریان اصلاح‌طلب می‌تواند به عنوان یک جریان کاملا پویا و توانمند در جهت حل مشکلات جامعه گام بردارد. انصاری تاکید کرد: در جریان اصلاح‌طلبی متاسفانه امکان حضور افراد فرصت‌طلب و نان به نرخ روزخور مهیا است.

حاکمیت نسبت به اصلاح‌طلبان بی‌اعتماد شده است

فعال سیاسی اصلاح‌طلب در خصوص تعامل اصلاح‌طلبان با حاکمیت، اظهار کرد: اینکه در سطح عالی بین اصلاح‌طلبان و حاکمیت گفت‌وگویی صورت می‌گیرد یا خیر، من اطلاعی ندارم؛ حداقل اگر هم باشد خبری از آن منتشر نمی‌شود یعنی اگر بنا را بر اخبار بگذاریم، باید بگوییم که گفت‌وگویی به این معنا وجود ندارد، در صورتی که باید گفت‌وگو وجود داشته باشد. داریوش قنبری افزود: یکی از مسائلی که وجود دارد این است که حاکمیت نسبت به اصلاح‌طلبان بی‌اعتماد شده است و این اعتماد باید بازسازی شود. بنابراین اصلاح‌طلبان باید بتوانند پل ارتباطی با حاکمیت ایجاد کرده و این اعتماد را بازسازی کنند. اصلاح‌طلبان به عنوان یک جریان سیاسی درون نظام نیاز به گفت‌وگو دارند تا بتوانند از طریق این گفت‌وگو، مسائل و دیدگاه‌هایشان را بیان کنند. وی درباره کنار گذاشتن شخصیت‌های با تجربه‌ای چون حسن روحانی گفت: انتخابات برگزار می‌شود و افراد جابه‌جا می‌شوند در ارتباط با آقای روحانی طبیعی است که مسئولیتشان تمام شود؛ دوران ریاست جمهوری ایشان به اتمام رسیده و شخص دیگری جایگزین شده است.

گفت و گو

مصطفی ایزدی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

ثبات در سیاست خارجی برای اقتصاد ملی مفید است

ثبات در سیاست خارجی برای اقتصاد ملی مفید است

پیوستن به سازمان شانگهای خوب است اما کافی نیست

ثبات در سیاست خارجی، مشکلات داخلی را حل می‌کند

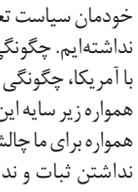

آرمان ملی - علیرضا پورحسین: حضور قدرت‌های اقتصادی بزرگ و البته قدرت های اقتصادی نوظهور همچون چین، ژاپن، کره جنوبی و ویتنام در منطقه شرق آسیا نشان‌دهنده اهمیت منطقه مذکور در اقتصاد و سیاست جهان است. در حال حاضر حتی بسیاری از متحدان آمریکا نیز تلاش کرده‌اند از طریق پیگیری سیاست مصون‌سازی، خود را برای وضعیت نوین تغییرات در نظام بین‌الملل آماده کنند. نگاهی کوتاه به سیاست خارجی کشورهای متحد آمریکا در منطقه خاورمیانه نیز این تحول را به خوبی نمایان می‌کند. این کشورها نیز با آگاهی از این تغییرات و احساس نگرانی از کاهش تعهدات احتمالی آمریکا تلاش کرده‌اند تا تعاملات خود با کشورهای شرق به ویژه چین را گسترش دهند. چین نیز با آگاهی از این وضعیت با پیگیری اهدافی چون توسعه حضور در منطقه خاورمیانه از این موضوع به‌طور ویژه استقبال کرده است. نباید فراموش کرد که هیچ کدام از کشورهای جهان در حین نگاهی که به شرق دارند، ارتباط خود را با اروپا و آمریکای شمالی قطع نکرده‌اند و بیشتر تلاش کرده‌اند تا با استفاده از طرفین، قدرت خود را در تمامی عرصه‌ها ارتقا دهند. امری که عملا در سیاست خارجی ایران مغفول مانده و پس از پیوستن به سازمان شانگهای نیز این نگرانی وجود دارد. در راستای بررسی این مساله «آرمان ملی» گفت‌وگویی با مصطفی ایزدی، تحلیلگر مسائل سیاسی داشته است که در ادامه می خوانید.

مهم‌ترین اشتباه ایران در عرصه سیاست خارجی چه موردی بوده است؟

یکی از چالش‌های ما در دهه‌های اخیر در حوزه سیاست خارجی، این است که یک برنامه همه‌جانبه، منسجم و باثبات نداشته‌ایم. سیاست خارجی ما در این سال‌ها به نحوی ارتباط زیادی با حوادث داشت و منتظر بوده‌ایم تا سایر کشورها کنش داشته باشند و ایران نیز در مقابل آنها موضع‌گیری کند. خودمان سیاست تعریف شده‌ای در حوزه سیاست خارجی نداشته‌ایم. چگونگی نحوه تعامل با شرق، برقراری ارتباط با آمریکا، چگونگی همکاری با اروپا و ارتباط با همسایگان همواره زیر سایه این نبود برنامه، معطل بود و به همین علت همواره برای ما چالش‌هایی ایجاد شده است. در همین راستا نداشتن ثبات و نداشتن برنامه مدون در عرصه سیاست خارجی که ابعاد مختلف آن تعیین شده باشد، به نظر من بزرگ‌ترین چالش سیاست خارجی ایران در سال‌های اخیر بوده است.

این عدم ثبات در سیاست خارجی، بر داخل کشور نیز تاثیر می‌گذارد؟

مشخصا نبود ثبات در سیاست خارجی، ثبات در داخل کشور را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. چه بخواهیم و چه نخواهیم، ایران جزئی از یک جامعه جهانی است و باید طبق اصول آن رفتار کند. بی‌ثباتی در سیاست خارجی سبب شده تا کشورهای همسایه، کشورهای دوست و کشورهایی که صرفا با آنها رابطه اقتصادی داشته‌ایم، به نحوی از ایران فاصله گیرند و همین امر کار را در داخل کشور برای ما سخت کرده است. به همین علت من پیوستن به سازمان شانگهای را خوب می‌دانم، زیرا حداقل روابط ما با اعضای این سازمان مدیریت می‌شود و در آینده حداقل در خصوص این کشورها، سیاست خارجی ما بی‌ثبات نخواهد بود و در چارچوب مقررات این سازمان قرار می‌گیرد. بی‌ثباتی در سیاست خارجی ایران مشخصا این نگرانی را به وجود می‌آورد که شاید حتی با روسیه و چین نیز در آینده روابطمان خدشه‌دار شود اما در بستر همکاری در سازمان شانگهای تا حدودی از این امر فاصله خواهیم گرفت.

در سایر حوزه‌های سیاست خارجی ایران باید به چه شیوه‌ای عمل کند، تا چالش‌ها در سایر حوزه‌ها و به خصوص با غرب حل و فصل شود؟

کشور در برهه‌ای از زمان قرار گرفته است که یکی از ویژگی‌های آن گذرا بودن شرایط است. ایران در ۴ سال گذشته که همزمان با ریاست جمهوری دونالد ترامپ بود، از نظر روحی و اقتصادی به شدت تحت فشار قرار گرفت و هر روز با تحریم یا تنش کشور ما را هدف قرار دادند و ذهن و روان جامعه را مخدوش کردند تا جایی که ایران کوچک‌ترین معاملات و نیازهای خود را در عرصه بین‌المللی نتوانست برآورده کند. این پروسه ادامه پیدا کرد تا اینکه صدای شکست دونالد ترامپ در ایالات متحده به گوش رسید و رفتن او سبب شد تا فشارها به خودی خود کاهش یابد. برخی تاثیر رفتن ترامپ را هنوز نمی‌خواهند بپذیرند و تفاوت میان ترامپ و بایدن را قبول نمی‌کنند. هیچ شکی نیست که سیاست کلی آمریکا مستکبرانه است اما رفتن یک فرد غیرمنطقی و تندرو خود یک اتفاق مهم است. در ورای این اتفاق بایدن مشخصا در موارد زیادی سخت‌گیری‌ها را علیه ایران در ماه‌های اخیر کم کرده است به شکلی که برخی کشورها دیگر از بازگرداندن پول‌های بلوکه شده ایران هراسی ندارند و مذاکراتی در این خصوص با عمان و کره جنوبی و عراق نیز انجام شده است و برخی از کشورها نیز خرید نفت از ایران را در سکوت خبری آغاز کرده‌اند. در این شرایط ایران باید صرفا به پیوستن به سازمان شانگهای اکتفا نکند. ایران از این پس علاوه بر اروپا، باید با تمام جهان تعامل داشته باشد و برای ارتباط‌گیری با هر کشور برنامه داشته باشد. نباید فراموش کرد که ایران قرن‌هاست که با آلمان روابط خوبی داشته و هیچ‌گاه این دو کشور در مقابل یکدیگر قرار نگرفته‌اند و همواره روابط سیاسی خوبی برقرار بوده است. امروز نیز ضرورت دارد تا این رویه دنبال شود. این موضوع درخصوص سایر کشورهای اروپایی نیز صدق می‌کند. امروز در داخل کشور قوه‌های مختلف تقریبا سیاستی یکسان دارند و این امر کمک می‌کند تا یک تصمیم نهایی در خصوص ارتباط با جهان گرفته شود. باید به شدت دقت کرد که امروز عدم ارتباط ما با آمریکا سبب شده تا سایر کشورها از این روابط مخدوش سوءاستفاده کنند و از این طریق به ایران ضربه بزنند. امروز خوشحال‌ترین طرف از اینکه ایران با آمریکا رابطه ندارد، اسرائیل است و این خود یک پیام مهم است.